



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخدمت با توفیق پروردگار متعال درباره وجوب تأسیس حکومت اسلامی بود که گفتیم قسمتی از بیانات امام رضوان الله علیه در کتاب ولایت فقیه در همین رابطه می باشد و ایشان می فرماید بر علماء واجب است که حکومت اسلامی را تأسیس کنند، ایشان در استدلال برای این موضوع آیه شریفه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۱ را ذکر کرده البته عرض کردیم که ایشان در سه جا به این آیه برای ولایت فقیه و وجوب و لزوم تشکیل حکومت اسلامی تمسک کرده اند؛ اول صفحه ۵۲ از جلد ۴۵ دفتر تبیان، دوم در سخنرانی خودشان در دوم شهریور ۵۸ در قم بمناسبت عید فطر، سوم در صحیفه نور جلد ۹ صفحه ۳۳۶.

در آیه گفته شده مردم از خدا و پیغمبر و اولی الامر پیروی و اطاعت کنید حالا اینکه اولی الامر چه کسانی هستند عرض خواهیم کرد اما معلوم می شود اولی الامر یک هدف اجتماعی مهمی برای مدیریت و اداره جامعه در تمام ابعاد دارند لذا بر مردم واجب است تا آنها را اطاعت کنند و بر آنها نیز واجب است که حکومت اسلامی تأسیس کنند.

امام رضوان الله علیه در کتاب ولایت فقیه اینطور فرموده اند؛ اعوذ بالله من الشيطان الرجيم: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ (۵۸) یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ (۵۹)^۲، این دو آیه مورد بحث ماست، اگر بخواهیم به ظاهر آیه بدون توجه به قبلش نگاه کنیم امانت مالیه به نظر مردم می آید یعنی اگر کسی مالش را به عنوان امانت به دیگری سپرد باید آن شخص امین مال را به صاحبش برگرداند و اگر برنگرداند در حفظ و رد آن مال خیانت کرده است البته اگر

شخص امین در حفظ امانت تعدی و تفریط نکند ضامن نیست و بعد پشت سرش از حکم به عدل در بین مردم و بعد اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر گفته شده ظاهر این آیات همین است که عرض شد منتهی ما باید به قبل و بعد این آیات نیز نگاه کنیم.

سه مطلب در اینجا وجود دارد؛ اول امانات مالیه که انسان بدو از ظاهر آیات می فهمد، دوم اینکه امانات همان علوم و معارف حقه هستند یعنی کسانی که اهل علم اند و درس خوانده اند و معارف حقه را آموخته اند در واقع اینها نوعی امانت در دست آنها هستند که باید آنها را به مردم برسانند، (اینجا به یاد سوال دیروز افتادم که پرسیده شد این خبرگان محترم رهبری چه وظیفه ای دارند و اینکه خبرگان باید رهبر را معرفی کنند دلیلش چیست؟ اجمالاً عرض می کنیم که در تشریح اسلامی اینطور است که اول پیغمبر حاکم است اگر نبود امام معصوم حاکم است و اسلام هیچوقت حکومتی را به غیر از معصوم و نائب مناب او نمی دهد لذا اگر امام معصوم نبود قائم مقام او که از نظر تقوی و شناخت اسلام در حد بالائی قرار دارد باید حکومت کند و اما پیغمبر و امام معصوم مشخص اند و مردم کاملاً آنها را می شناسند منتهی ولایت فقیه کلی است و مصادیق متعددی دارد و در هر زمانی علماء زیاد هستند از طرفی مردم نیز قوه تشخیص فقیه جامع الشرائط برای حکومت را ندارند لذا ناچاراً از افراد دیگری که میشناسند و به آنها اعتماد دارند وکیل می گیرند و به آنها رأی می دهند تا یک نفر فقیه جامع الشرائط برای حکومت و رهبری را انتخاب کنند و به ما معرفی کنند تا ما او را بشناسیم و به عنوان رهبر قبول کنیم)، و اما مطلب سوم اینکه هر امام معصوم وقتی که می خواهد از دنیا برود باید امامت را به امام بعد از خودش منتقل کند و او را به مردم معرفی کند.

این دو آیه با آیات قبلش مرتبط است که بیشتر به کلمات یهود نظر دارد و اینطور ذکر شده: ﴿أَمْ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الصَّلَاةَ وَ يُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ﴾^۳ و بعد در ادامه آیات اینطور ذکر شده: ﴿أَمْ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجُبَّتِ وَ الطَّاعُوتِ وَ

^۱ سوره نساء، آیه ۵۹.

^۲ سوره نساء، آیه ۵۸ و ۵۹.

^۳ سوره نساء، آیه ۴۴.

يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُوَ الَّذِي مِنْ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا^۵،
 یهود تاریخ عجیبی دارد اینها در مدینه هم زیاد بودند و
 خودشان اهل کتاب بودند و یک مزیتی در برابر بت پرستان
 برای خودشان قائل بودند و حتی به مردم می گفتند به زودی
 پیغمبری خواهد آمد و کتاب آسمانی خواهد آورد و ما نیز اهل
 کتابیم و موقعیت ما بالا خواهد رفت اما وقتی که پیغمبر ما آمد
 و کم کم اسلام پیشرفت کرد و مسلمانان رشد کردند یهود
 برگشتند و نسبت به پیغمبر حسد بردند و شروع به کارشکنی
 کردند، یهود سه طائفه به نام های بنی قینقاع و بنی نضیر و
 بنی قریظه بودند که پیغمبر با آنها عهد و پیمان بست که
 کارشکنی نکنند و مسلمانان را اذیت نکنند اما اولین طائفه ای
 که پیمان شکنی کرد بنی قینقاع بود که پیغمبر آنها را از مدینه
 خارج کرد و دوم بنی نضیر بودند که از عهد شکنی فراتر رفتند
 و نقشه قتل پیغمبر را کشیدند اما جرئیل حضرت را از نقشه
 آنها مطلع کرد که حضرت اینها را نیز از مدینه خارج کرد البته
 اینها رفتند و با یهودی های خیر متحد شدند و بیشتر جنگها
 و کار شکنی ها را همین ها بوجود آوردند و سوم بنی قریظه
 بودند که در جنگ احزاب خیانت و پیمان شکنی کردند،
 خلاصه اینکه وقتی پیغمبر این سه طائفه را از مدینه بیرون کرد
 آرام ننشستند و ذکر شده که حدوداً پنجاه نفر از علماء بنی
 نضیر بعد از جنگ احد به مکه رفتند و به مشرکین گفتند
 بیاید با هم متحد شویم و پیمان بندیم که پیغمبر و اسلام را از
 بین ببریم، مشرکین گفتند ما به شرطی با شما پیمان می بندیم که
 به بتهای ما سجده کنید و آنها نیز با اینکه اهل کتاب بودند در
 راه هدفشان قبول کردند و به جبت و طاغوت که از بتهای
 مشرکان بودند سجده کردند و سپس پیمان بستند تا پیغمبر و
 اسلام را نابود کنند و بعد مطالب دیگری در ادامه آیه ذکر
 شده، خوب و اما با توجه به این آیات حالا به سراغ آیات مورد
 بحثمان می رویم، از آیات قبلی که خواندیم معلوم می شود که
 خداوند متعال می خواهد بفرماید امانت را به هر شکلی که
 هست باید به صاحبش برگرداند اینها که می دانستند و می
 شناختند که پیغمبر اسلام چنین است و چنان است و حتی به
 مردم معرفی می کردند حالا می گویند بت پرستی از آن بهتر
 است لذا خداوند متعال خطاب عام می کند و می فرماید: ﴿إِنَّ

اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا^۶ و همین قرینه است
 بر اینکه تنها امانات مالی مراد نیست بلکه کل امانات به
 صورت عام مراد است که اقسامی پیدا می کند یک قسمش
 همان امانات مالیه است و قسم دیگر همان معارف حقّه ای
 است که باید به مردم منتقل شود اما یهود در این قسم خیانت
 کردند و قسم سوم نیز آن امامتی است که هر امامی باید به
 امام بعد از خودش منتقل کند و او را معرفی کند و همچنین
 اماناتی مثل سلاح و کتب و صحف و نوشته هایی نیز بوده که
 همگی باید به امام لاحق منتقل شوند و الان تمام آنها نزد امام
 عصر علیه السلام می باشد پس ائمه علیهم السلام می فرمایند
 این آیه عام است و شامل قسم سوم یعنی منصب امامت و
 امانات مخصوص امام نیز می شود، البته تفسیر صافی فکر کرده
 که فقط ائمه مراد هستند ولی آیت الله طباطبائی اعلی الله
 مقامه می فرماید خطاب عام است و شامل هر سه قسم مذکور
 می باشد و امام رضوان الله علیه نیز در استدلالشان هر سه
 قسم را بیان کردند و تکیه گاهشان به قسم سوم می باشد یعنی
 بایستی امام سابق امام لاحق را معرفی کند.

قبلاً عرض کردیم که در تفسیر برهان جلد ۲ صفحه ۲۴۹ پانزده
 روایت از حضرت باقر و صادق و رضا علیهم السلام نقل کرده
 که همگی تفسیر امانات هستند و فرموده اند مراد از امانات آن
 مقام و موقعیتی است که امام دارد و موظف است آن را به امام
 بعد منتقل کند و علت تأکید آن نیز این است که مردم بیشتر
 بر قسم اول و دوم تأکید داشتند اما قسم سوم را خود ائمه می
 فرمایند، بنابراین امانات مفهوم عامی است که شامل قسم سوم
 نیز می شود.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

^۵ سوره نساء، آیه ۵۸.

^۶ سوره نساء، آیه ۵۱.